بسمه تعالی

شماره آرشیو: 1310

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۖ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ ۖ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

آیه ی 36 از سوره ی مبارکه ی حج.که یک قسمت راجع به موضوع قربانی در مناسک حج در آیات گذشته بحث شد.حالا این آیه ی شریفه هم مربوط به همان است.کله ی بُدن که در آیه ی شریفه است جمع بدنه است.بدنه یعنی شتر چاق و فربه و گوشت دار.البته لازم نیست در حج که همان حج تمتع است حتما شتر باشد.خب در حج تمتع باید یک قربانی داشته باشد شخص حاج.حالا گوسفند گاو یا شتر هر کدام در وسعش باشد کافی است منتهی چون شتر بزرگترین حیوانی ست که آنجا قربانی می شود و قهرا کسی که شتر قربانی می کند این انفاق را بیشتر می کند دیگر و مال بیشتری در راه خدا از خود می دهد.از این جهت شتر اینجا مورد ذکر واقع شده وگرنه معناش این نیست که لازمه حتما شتر باشد.نه گاو و گوسفند هم مجزیه منتهی شتر اعظم است دیگر.اون هم شتر فربه و چاق خب معلومه انسان وقتی در راه خدا قربانی می کند نفیس ترین اعمال خودش را اگر بدهد بهتر است دیگر.این به ایمان اخلاصش بیشتر دلالت می کند تا اینکه یک مال پستی را بی ارزشی را که خودش هم خیلی رغبت ندارد انقدر در راه خدا بدهد این کمالی نیست و نشان اخلاص نیست نشان اخلاص وایمان برتر همان دادن مالی بهتر و بیشتر ولذا روی شتر تکیه شده اونهم شتر فربه وگوشت دار چون به مطلق شتر بدنه گفته نمی شود.بدنه اون شتری ست که فربه باشد.چاق باشد و گوشت دار باشد و نکته ای هم این جا هست در اون اول آیات حج که می فرمود وَأَذِّن فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ که به ابراهیم ؟ع؟ خطاب شد که اعلان حج کن در میان مردم،مردم را دعوت به حج کن که پیاده میان بر هر مرکب لاغری هم سوار می شوند و میان آنجا سخن از مرکب لاغر به میان آمد وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ،ضامر یعنی مرکب لاغر ضعیف ناتوان اما اینجا موضوع شتر است.شتر چاق و فربه.خب این دو تا نکته ی مقامی اش هم معلومه آنجا چون مسئله ی آمدن به سمت کعبه است و برای حج و تحمل زحمت ها و ناملایمات اونجا اگر انسان مرکب ناتوانی داشته باشد خب بیشتر به زحمت می افتد دیگر.آنجا نشان می دهد که به قدری ایمان واخلاص دارند که منتظر اینکه مرکب چاقی گیرشان بیاد نمیشن و حتی پیاده هم به راه می افتند اگر مرکب لاغری هم شد با همان مرکب لاغر هم حرکت می کنند این نشان اخلاصه دیگر.آدمی که می خواهد مکه برود مثلا حالا منتظر باشد که مرکب چاقی گیرش بیاد بعد هم یک خوراک چرب و نرمی در بین راه داشته باشد بردارد نه.دستش هم نرسد همین قدر یک نان و پنیر خالی هم باشد تو راه مرکب ناتوانی هم باشد حتی پیاده هم باشد حاضره.این نشان اشتیاق و ایمان و اخلاص است در موقع رفتن.اما موقع قربانی که می شود آنجا می شود نشانه ی اخلاص در شتر چاق است.آنجا دیگر نشانه ی اخلاص این نیست که یک بز شاخ شکسته ای گرگفته ای را پیدا کند و آنجا انفاق کند این که نشان اخلاص نیست اون نشان خفت هست و بخل هست و خسّت است.اون موقع که می خواهد مکه برود برای پیمودن این راه منتظر مرکب چاق نمی شود پیاده هم شد می رود.مرکب لاغر هم شد می رود اما موقع قربانی که می شود نه.آنجا حیوانات پست و کوچک و بی ارزش نمی رود.می رود دنبال حیوانات چاق تر و فربه تر دیگر پس آنجا سخن است ضامر بود اینجا سخن از بُدن است.ضامر مرکب لاغر اما بُدن شترهای چاق و فربه.اونجا نشانه ی اخلاصه همان ضامر است.اینجا نشانه ی اخلاص بُدن است.این هرچه شتر چاق تر و گاو گوسفند داره اما به اینها مثلا اکتفا نمی کند شتر می دهد،قیمتش بزرگتر و سنگین تر و چاق تر باشد و آنجا دیگر منتظر چاقی و فربه ای نیست ولو لاغر هم باشد به راه می افتد.پس این نکته ای ست که آنجا سخن از ضامر است و مرکب لاغر نشانه ی اخلاصش همان است. يَأْتُوكَ رِجَالًا پیاده هم می آیند وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ با هر مرکب ناتوانی هم که شده حرکت می کند.شدت اشتیاق به زیارت بیت است و در قربانگاه نه.آنجا وَالْبُدْنَ سراغ شترهای چاق و فربه می روند که نشانه ی اخلاصشان همان حیوانات چاق انتخاب کرده اند وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ پس ما این شتر ها را بحث شد منحصر به شتر نیست بلکه این حیوانات سه گانه گاو و گوسفند و شتر هر کدام باشد مُجزی هست.اما اینجا که صحبت از شتر شده چون مظهر ایمان بیشتر اینجاست وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ ما شترهای چاق و فربه را برای شما قرار دادیم که مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ از شعائر خدا باشند.یعنی خود این قربانی در منا در قربانگاه که حجاج می کشند این خود از شعائر خداست یعنی از علامت هایی ست که نشان می دهد این است انسان.ایمان به خدا دارد نشان می دهد ایثارگری می کند آماده ی فداکاری و گذشت در راه خداست.اینها را نشان می دهد دیگر.شعیره همینه.شعیره علامت ایمان،علامت اخلاص،علامت ایثار،علامت از خود گذشتگی حتی تا جان دادن خون خود در راه خدا ریختن.نشان می دهد که این رمز فداکاری ست.به اصطلاح روز میگن سنبل برای فداکاری و ایثار و اخلاص مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ پس ما اینها را قرار دادیم برای شما و دو نسبت دارد هم نسبت به ما دارد هم نسبت به شما لَكُمْ نسبت به شما دارد جَعَلْنَاهَا ما قرار دادیم به ما هم مربوطه یعنی بالاخره اینی که دارید ما دادیم دیگر شما از کجا آوردید این همه ثروت؟من نمی دونم خانه و زندگی شتر و گاو و گوسفند ما دادیم و شما هم در راه ما بعنوان شعیره ی اسلام و شعیره ی ایمان و اخلاص به ما تحویل بدهید وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا ما قرار دادیم لَكُمْ در مال شما مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ از شعیره و علامت های اخلاص ایمان در پیشگاه خدا باشید لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ همین گاو و گوسفند و شتر و این زندگی که شما دارید این خیر شما در همین هاست و واقعا هم ثروت خیر است ولذا قرآن کریم از ثروت دنیا تعبیر به خیر کرده در موارد متعدد تعبیر به خیر شده چرا؟از اون جهت که در مسیر آخرت قرار می گیرد دنیایی که در مسیر آخرت قرار گرفت واقعا خیر است.یعنی دنیایی که چنان سخت می شود که رضای خدا تأمین می شود انفاق در راه خدا می شود به وسیله ی دنیا جهاد در راه خدا می کند.خب این خیر است دیگر.کدام خیر از این بهتر که انسان با ثروت درجات عالیه ی منفقین فی سبیل الله را به دست بیاورد،زکات بده ها از ثروت می دهند،خمس بده ها مال اینها دیگر ثروت دارند،موسسات خیریه می سازند اونهایی که ثروت دارند حتی میدان های جنگ را اگر اداره می کنند اونهایی که ثروت دارند لذا از انسانهایی که تهی دستند و هیچ ندارند این کِی می تواند که این همه موسسات خیریه ای که به ثروت محتاج است تامین کرده باشند.این خیر است.منتهی آدم عاقل حواسش جمع باشد و خوب بتواند از ثروتی که خدا به او داده است بهره برداری کند مثل قارون نباشد که تا گفتند این همه ثروت به او دادیم می فرماید در سوره ی قصاص این همه ثروت به او دادیم در عین حال همین که زکات ازش خواستیم بده گفت: إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي من خودم به دست آوردم من خودم کاردان بودم لایق بودم پشتکار داشتم بدست آوردم.به کسی مربوط نیست جیزی هم نمی دهم.خب نتیجه چه شد؟این شر شد. فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ خودش را با تمام ثروتش توی زمین فرو بردیم.این چه دیوانه ای بود؟این عقل نیست.آدم عاقل آن است که این ثروت خداداد را گفتیم وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ نگفتیم اینی که داری بده نه.خدا به تو داده همینی که خدا به تو داده است با همین خانه ی آخرت را هم تامین کن.نگفتیم ثروتی که داری بد است.گفتیم با این ثروتت آخرت را تامین کن. وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا  بهره ی خودت را از دنیا بگیر.بهره ی تو آن است که آخرتت را تامین کند آنچه که در دنیا صرف کنی بهره ی تو نیست.مال این جسم این بدنت چاق بشود و خوراکی کرمها می شود این بهره ی کرمهاست.بهره ی مورهاست.مال خودت نیست.بقیه هم که نخوردی گذاشتی ماند و دیگران می خورند .اونها می خورند باز بهره ی تو نیست.اگر باز صرف بدنت کردی خوراک کرمها و مار و مور می شود.اگر صرف گذاشتی و رفتی خب صرف اونها دختر مردم با پسر شما می خورد یا پسر مردم با دختر شما می خورد یا همسر شما با شوهر دیگری می خورد.باز برای شما نیست.اونی که توانستی برای آخرتت تحصیل کنی مال تو است وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا بهره ی خودت را از دنیا بگیر.بهره ی تو همان است که بعد از مرگت ولذا مولای ما امیرالمونین ؟ع؟ می فرمایند:  إنّما لكَ مِن دُنياكَ ما أصلَحتَ بهِ مَثواكَ اون بهره ای از دنیا مال خودت خواهد بود که قبرت را با اون اصلاح کنی.با این سر و وضع اگر توانستی برزخ و محشرت را تامین کنی مال تو است.وگرنه مال تو نیست بهره ی تو نبوده.خب پس قرآن نمی گوید ثروت بده.ثروت خیر است ولی بشرط اینکه آدم عاقلی باشد و حواست جمع از این ثروت استفاده ی آخرت کند.وقتی اون مرد که خانه ی مجللی داشت امام امیرالمومنین ؟ع؟ وقتی به خانه ی او تشریف فرما شد که مریض بود برای عیادتش رفت کنار بسترش نشست.نفرمود این خانه چیه مثلا بدست آوردی.فرمود:تو این خانه می توانی خانه ی آخرت را هم تامین کنی.کاری کن در همین خانه،خانه ی آخرتت تامین بشود.تو این خانه می توانی انفاق کنی.مستمندها را از بی نیازی از نیازمندی بیرون بیاوری و انواع خیرات بتوانی پخش کنی آخرتت تامین بشود.پس خیر می فرماید همین ها برای شما خیر است گاوها دارید گوسفندها دارید شترها دارید بسیار خوبه اما همین ها برای شما وقتی خیر است که در راه خدا و تامین آخرت بیفتد.  لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ همین ها شما می توانید قربانی که می کنید هم خودتان می خورید هم به فقرا و نیازمندان می دهید شکم های گرسنه را سیر می کنید در نتیجه محبت آنها را به خود جلب می کنید.خود این محبت دیگران را به خود جلب کردن منفعتی ست برای انسان و هم در راه خدا به قصد قربت انفاق می کنید.روحتان را هم به سمت خدا حرکت می دهید و لقاء خدا و رضوان خدا هم از این راه نصیبتان می شود.این خیر نیست که آدم کاری کند هم خودش بخورد از این مال ثروتی که دارد هم به دیگران بخوراند هم رضای خدا را هم تامین کند.رضای خدا تامین،محبت خلق را هم از راه انفاق به اونها تامین کرده.خودش هم زندگی کرده هم خوراک خورده هم پوشاک داشته هم مسکن داشته.آیا خیر نیست؟اگر انسان بخواهد ثروت خودش را به این کیفیت صرف کند واقعا  لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ برای شما در همین ها خیر است.حالا تو همین ها خیر است نه فقط توو شترها خیر است.این شتر مثالی بود که زده شده نه هر ثروتی که خدا به شما داده است.همین ثروت در این گونه راهها صرف بشود  لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ بنابراین فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا پس یاد خدا فراموشتان نشود.در راه خدا باشد همه ی اینها این جمله از آیه ی شریفه کیفیت نحر شتر را بیان می کند چون گاو و گوسفند ذبح دارد و شتر نحر می شود دیگر.کشتن شتر را نحر تعبیر می کنند و کشتن گاو و گوسفند را ذبح تعبیر می کنند.حالا اینجا آیه ی شریفه کیفیت نحر شتر را بیان می کند.خب ذبح را می دانید که چطور گاو را می کشند گوسفند را می کشند.خب به سمت قبله نگه می دارند حیوان را و کارد حربه ی آهنی رو به قبله مرد مطهر شخص مسلمان رو به قبله حربه ی آهنی بکشد و اون اوداج اربعه چهار رگ گاو یا گوسفند را ببرد و بگذارد که خون به قدر کافی بیاد.این ذبح گاو و گوسفند به این شکله.اما نحر شتر،شتر را بخوان بکشند جوری که تزکیه بشود مزکی بشود نحرش می کنند.یعنی سرپا نگهش می دارند دیگه او را نمی خوابانند سر پا نگهش می دارند و دستهای شتر از مچ تا زانو به هم می بندند.به هم می چسبانند این دستهای شتر را بعد با طناب تیزی می بندند که حرکت نکند فرار نکند.پاهاش بازه اما دستهاش را از مچ تا زانو می چسبانند و با چیزی می بندند و بعد شاید آسانتر هم باشه نحر شتر از کشتن گاو گوسفند.همانطور که رو به قبله ایستاده است این شتر بعد با حربه ی آهنی فرو می کنند به گودی زیر گلو.گودی زیر گلو شتر حربه را فرو می کنند همین مقدار.بعد که حربه را بیرون می کشند خون خودش میاد دیگه.رها می کنند خون میاد وقتی خونش آمد این سست میشه خودش میخوابه زمین.وقتی خوابید جان می دهد و تمام میشه دیگه.اینه که شاید نحر شتر از ذبح گاو و گوسفند آسانتر باشه.برای اینکه باید بخوابانند گاو و گوسفند را رو به قبله قرار بدهند خیلی مشکله اگر گاوی چموش هم باشد و قدری مشکل میشه ذبحش.اما شتر به این کیفیت اگر نگهش بدارند سرپا بله.آدم روی سکویی پله ای چیزی می ایستد که اون در سمت پایین باشد حربه را در گودی زیر گلویش فرو می کند خون میاد و میفتد خودش دیگر ولذا آیه ی شریفه اشاره به همین است فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ کلمه صَوَافَّ جمع صافّه است.صافّه یعنی همچنان که دستها بغل هم جفت هم قرار گرفته که به هم بسته شده.معنای صفّ همین است.یعنی جمعیتی کنار هم بغل هم چسبیده به هم می ایستند.یا امام امیرالمونین سلام الله علیه در همان خطبه ی همّام،شب خیزان که به شب زنده داری بر می خیزند توصیفشان می کند این جمله است: أَمَّا اللَّيْلَ فَصَافُّونَ أَقْدَامَهُمْ شب که می شود اینها نمی خوابند بلکه سرپا می ایستند و پاهای خودشان را جفت قرار می دهند و به تلاوت آیات قرآن مشغول می شوند. أَمَّا اللَّيْلَ فَصَافُّونَ أَقْدَامَهُمْ

اینجا هم در باره ی شتر همفرموده صوافّ،یعنی شترها را نگه بدارید به این کیفیت که سرپا ایستاده اند و دستها به هم پیوسته شده فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ در همان حال نام خدا را ببرید که قربانی است چون به نام خداست و عبادته.چون عبادت است باید نیت تقرب به خدا باشد نام خدا برده شود حالا.نام خدا برده شود آقایون فقها فرموده اند به هر کیفیتی که اسم خدا برده شود کافیه.صیغه ی لفظ مخصوصی ندارد.ولی خب در روایت ما هست که بهترین جملاتی که در موقع قربانی گفته می شود همینه وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ اَلْأَرْضَ حَنِيفاً وَ مٰا أَنَا مِنَ اَلْمُشْرِكِينَ .إِنَّ صَلاٰتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيٰايَ وَ مَمٰاتِي لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعٰالَمِينَ `لاٰ شَرِيكَ لَهُ وَ بِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا  مِنَ  اَلْمُسْلِمِينَ  اَللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ این جملاتی است که در موقع ذبح یا در موقع نحر بهتر است که این جملات گفته بشود که آیه ی شریفه اشاره به همین مطلبه.منتهی اسم مطلق هم کافیه.بسم الله هم بگوید کافیه.تنها بسم الله هم کافیه بلکه فرمودند الله اکبر هم کافیه.بهر حال حالا اسم خدا برده شود. فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا اسم خدا را بر این شترها که موقع کشتن ببرید در حالی که صوافّ یعنی سرپا ایستاده است و دستها پهلوی هم فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا بعد وقتی که حربه را به او گودی گلویش زدید و خون که آمد افتاد به زمین جنوب جمع جنب است.جنب یعنی پهلو وَجَبَتْ یعنی سَکَنَت فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا یعنی سَکَنَت جُنُوبُهَا یعنی وقتی افتاد به پهلو به روی زمین وقتی که خون ازش رفت و جان داد این کنایه از مردن و جان دادن است. وَجَبَتْ جُنُوبُهَا دیگر پهلویش آرام می گیرد چون وقتی که جان داد پهلو آرام می گیرد دیگر.مادامی که هنوز جان دارد این حرکت دارد.چه وقت جان داده است و مرده وَجَبَتْ جُنُوبُهَا اون موقعی که پهلوی شتر از حرکت ایستاد و ساکن شد وقتی ساکن شد این مرده است.حالا که مرده مُزکّی شده فَكُلُوا مِنْهَا شما خودتان بخورید از همین گوشت این قربانی ولذا باید در قربانی سه تقسیم بشود دیگر.در منا اگر بتوانند اگر برایشان ممکن باشد باید حاج اون قربانی را سه قسمت کند یک قسمت خودش می خورد یک قسمت هدیه می دهد به برادران ایمانی و یک قیمت صدقه می دهد به فقرا.این سه تقسیم می شود در صورت امکان بعد اینهایی که فرموده اند خودتان بخورید حالا احتمالا عرض می کنم محتمل است که خواسته اند احساس حقارت نکند اون فقیر خیال نکند که حالا این گوشتی است که دیگر به درد اینها نمی خورد و اونها بخورند نه شما خودتان هم بخورید.شما خودتان هم که بخورید اونها میگن یک گوشتی که هم خودشان می خورند هم اون کسی که صاحبش بوده خودش می خورد و هم به برادران ایمانی دیگر هم هدیه می دهند هم ما می خوریم.یعنی همه در ردیف هم هستیم.در استفاده این گوشت.جوری نیست که تحقیر شده باشد احساس حقارت کند مثلا بگه چون فقیری دادند به ما مثلا.به درد خودشان نمی خورد نه فَكُلُوا مِنْهَا هم خودتان بخورید از این گوشت وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ و هم به فقرا بدهید.بعد فقرا اطعام کنید به فقرا.فقرا همدو دسته اسم برداه شده قانع و معتر.چون فقیر هم دو قِسم دیگر بعضی از فقرا هستند که اینها روی سوال ندارند یعنی هر چه هم که نا دار باشند دستشان تهی باشد اظهار حاجت پیش کسی نمی کنند به قدری عطیف النفس اند منیع البع اند بفرموده ی قرآن يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ بس که عفت نفس دارند مردمی که از زندگی آنها بی خبرند خیال می کنند که اینها غنی هستند یعنی توی مردم جوری زندگی می کنند هیچ فقر خود را نشان نمی دهند.بی خبران از وضع زندگی آنها،اونها را اغنیاء حساب می کنند. يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ وقتی هم چیزی به آنها داده شد قانع می شوند،خوشنودند،راضی اند و سپاس گذارند اما بعضی از فقرا هستند البته گدا حرف نمی زنیم اون مَثَل دیگه ایه.اون خودش یک فنی ست و تخصصی دارد و اونها چه بسا مثلا خانه های متعددی داشته باشند و پول فراوانی داشته باشند حرفه اش این است دیگر البته اون گداست اون بحثش نیست فقیر بحثش است اونها واقعا ندارند.فقیر اونی هست که واقعا ندارد اما همین که واقعا ندارد دو جور است:یکی روی سوال دارد یکی روی سوال ندارد.یکی قانع است یعنی وقتی هم به او چیزی داده بشود واقعا خوشحاله راضی است.از خدا هم راضی است از خلق خدا هم راضی است و یکی پیدا می شود نه هم روی سوال دارد سوال می کند وقتی چیزی بهش می دهیم اصلا راضی نیست.گاهی دعوا می کند مثلا که میگه این چی بود دادی؟حالا او ازش تعریف معتر شده پس یک دسته فقیر قانع اند یک دسته فقیر معترند ولی بهرحال فقیرند،گدا نیستند.فقیرند.به هر دو دسته شما اطعام کنید.منتهی قانعرا جلوتر ذکر کرده خداوند چون محترم تر است دیگر.آدمی عفیف النفس منیع الطبع است و روح قرائت درش هست و پرخاشگری هم نمی کند.بله این یکی هم معترِّ.خب حالا اون آدمی هست که توو فقرا خوش شانس و بدشانس پیدا می شود دیگر.حالا اون آدمی هست بد زبان و تند خلق برای خودش مغروریت تولید می کند مثلا.یکی نقل کرده اند که:فقیری نشسته بود تو کوچه از مردم سوال می کرد می گفت رحم کنید بر من که دو تا بدبختی دارم.این می گفت مردم رد می شدند بعد یکی هم آمد گفت اون چیه اون دوتا بدبختی که میگی؟گفت یکی که ندارم.یکی هم حرفم در مردم اثر نمی کند.هرجا هم بگم مردم حساب نمی کنند.خب این آدم فقیر بدشانسی بوده حالا یکی پیدا می شود از لحنش قیافه اش یک جوری که موثر می شود در دلها حرفش می نشیند.هَم ندارد اما حرفش موثره.این آدم خوش شانسی است.اون فقیر بدشانسه.هم ندارد هم حرفش موثر در مردم نمی شود.ولذا می گفت رحم کنید بر کسی که دو تا بدبختی دارد خب حالا بعضی قانع ند بعضی معترند.قانع را خداوند جلوتر ذکر فرموده وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ از همین گوشت قربانی اطعام کنید به فقیر هم به فقیر قانع هم به فقیر معتر همانی است که روی سوال دارد و سوال می کند و گاهی هم رازی نمی شود هرچه هم بهش بدهند می گوید چیزی نیست مثلا. كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ خب این کیفیت قربانی بود و نحوه ی استفاده از قربانی بعد برای تنوع دادن به اینکه این نعمت بزرگ خداست شما شاکر باشید که حیوانات را مسخر شما کرده كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ ما این حیوانات را ما مسخر شما کرده ایم وگرنه شتر کجا و شما کجا؟که شتر تابع شما باشد اون هیکل به این بزرگی خیلی زور دار هم هست.شتر خیلی قوی هم هست.بخواد یک دستش را هم بلند کند کله ی کسی هم بزند خب این متلاشی می شود.یا دهانش بزرگ است مثلا کله ی کسی را در دهان بگیرد اما در عین حال قدرتی که دارد زوری که دارد تسخیر شما شده.مسخر شما.چنان مسخر و رام است که یک بچه هم می تواند مهارش را بگیرد،دنبالش بکشد.دنبال یک بچه هم می رود اما خدا گاهی از اوقات برای اینکه بفهماند من رامش کردم گاهی این رامی را ازش می گیرد شتر می شود خشمگین.وقتی خشمگین است موجود خطرناکی می شود او.اونوقت شتر خشم کند ده نفر انسان در مقابلش نمی توانند درآیند.حالا من مسخر کرده ام اینها را سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ من مسخر کرده ام که مُنقاد باشند در برابر شما خاضع باشند و الا گاو با همان شاخش شکم آدم را پاره می کند اگر بخواهد خشمگین بشود مثلا یا الاغ اگر جفتک پرانی کند کسی نمی تواند رامش کند اما شتر به این بزرگی ما مسخرش کردیم چقدر عجیبه.پشه به این ریزی مسخر آدم نیست.آدمی مسخرش کنه؟میاد سراغ آدم وز وز می کند تا صبح هم خوابش نمی بره تو سر و کله ی خودش هم می کوبد و عاقبت دستش به اون نمیرسه.اما شتر به این عظمت این رام او شده است سَخَّرْنَاهَا ما مسخر کردیم.اونها چموش اند به این سادگی تابع شما نمی شوند.همین کره ی زمین،زمین زیر پای ما الان رام است.یک مرکب رهواری خیلی رام مرک حرکت می کند دیگر.حرکت می کند علی الدوام در حال حرکته و ما را روی دوش خودش گرفته،می چرخاند و می خواباند و آب می دهد و غذا می دهد مادر مهربانیه رو دوشش می چرخانه ولی گاهی هم این چموش می شود.این زمین به سادگی هم نیست.گاهی زلزله بر اندامش می افکند.شانه اش را تکان می دهد همین قدر شانه را تکان داد زیر و رو می کند ساختمان ها را ویران می کند.انسانها را در دل خاک می بره.انقدر امتهای گذشته از دست این زمین کتک ها خوردند سیلی ها خوردند زیر این خاک ها رفته اند ولی الان آرام زیر پای ما می چرخد هیچ توجه دارید؟ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا کیست اون کسی که این زمین را زیر پای شما رام کرده.ذلو یعنی رام.رام گاهی چموشی زمین را می بینید می نویسند و یا با چشم خود می دیدید که چطور می شود چموشی کند.چه می شود ولی همین زمین چموش را من رام کردم هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا حالا روی شانه های این زمین راه بروید وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ از رزق او بخورید اما یادتان نرود ولی نعمتتان فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا من مسخر کردم حیوانات را می بینی؟ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا ما ساخته ایم این مواد اولیه ی ساختمان گاو و گوسفند کی درست کرده؟شما درست کرده اید؟این مو و پشم و گوشت و استخوان،اینها را ما ساختیم از این مصالح.ما گاو ساخته ایم شتر ساخته ایم گوسفند ساخته ایم و گفتیم این ملک شما.شما که به مالک و باور کردید که مالک هستید.هی بگید مال من مال من خیر.ما چه کاره هستیم؟شما مالم وجود خودتان نیستید.مالک نفستان نیستید.چطور شما مالک اینها شده اید؟ أَوَلَمْ يَرَوْا اینها فکر نمی کنند اندیشه نمی کنند؟خوشا به حال اون انسان اندیشمند،فکور به همه جا نگاه کند آیات و قدرت خدا آیات و رحمت خدا را ببیند و در مقابل او خاضع بشود نه فقط هی بخورد و بیاشامد و هیچ سری بالا نگیرد که آقا مدبر این عالم کیه؟ أَوَلَمْ يَرَوْا هیچ نمی بینند فکر نمی کنند؟نمی اندیشند؟ أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا من ساخته ام اینها را.این گاو و گوسفند و شتر را.بعد گفتیم وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ اینها را رام کرده ام.من رامشان کرده ام اینها تابع شما نیستند. وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ هم سوار می شوند هم ازشان می خورند وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ از شیرش می نوشند از گوشتش می خورند از پشتش سواری می گیرند آیا شکر نمی کنند؟ولی نعمت را نمی شناسند.در مقابل او شاکر نمی شوند حالا كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ اینها را مسخر کردیم شاید شما یک چشم دلی باز کنید و منعم را بشناسید.در مقابل این همه نعمت ها شاکر باشید. لَن يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا اینم بدانید که خدا به قربانی شما که نیازی ندارد.او که نمی خواهد از گوشت اینها استفاده کند.نه گوشت اینها به خدا می رسد و نه خون اینها به خدا می رسد.گوشتش شکم بیچاره ها و گرسنه ها را سیر می کند.خونش هم دم در خانه ی شما ریخته می شود.مردم بفهمند حاجی از مکه آمده اینکه به درد خدا که نمی خورد.نه خوش نه گوشتش حالا بعضی ها به خون هم گفته شده،خون اونوقت قابل استفاده نبوده شاید احتمالا اینکه چون به زمان جاهلیت خون را می پاچیدند به سر و صورت بتها یعنی برای بتها قربانی می کردند.بعد خون را می مالیدند به سر و صورت.بت را خونی می کردند و بعد هم در و دیوار کعبه هم می پاچیدند.به عنوان که خب مثلا تجلیل بشود احترام بشود اون قربانی ست دیگر.به در و دیوار کعبه می پاچیدند ولذا از این نظر تقطعه می شود احتمالا که این جمله تقطعه ی اونها هم باشد یعنی خونش اونجور شما خیال می کنید که برای بت اگر قربانی کردید به بت می مالید خون گوسفند به بت یا به در و دیوار کعبه نه خدا احتیاج به اینها ندارد و این خون هیچگونه نفعی ندارد. لَن يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا نه به خدا می رسد خون اینها نه گوشتشان می رسد. وَلَٰكِن يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنكُمْاویی که به خدا می رسد از جانب شما تقوای شماست. يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنكُمْ خدا از شما تقوا می خواهد این هم کمال لطف و عنایت است.تقوای شما به خدا می رسد سهمی من از شما دارم که اون تقواست و حالا که خدا که سهمی از ما ندارد ما کی هستیم که خدا از زندگی ما سهمی داشته باشد.گاهی یک مرد بزرگی مثلا به آدم بگوید آقا آخه ما هم حقی داریم به خانه ی ما هم قدمی بگذارید.قدم شما هم برسد خانه ی ما هم مثلا متبرک بشود ما هم حقی داریم و حال اینکه اون مرد بزرگ هیچ حقی نیست ما چیزی نیستیم که مثلا بگوییم سهمی از ما داشته باشد نه اینجا هم خداوند حکیم چقدر لطف و عنایت دارد که خلاصه سهمی هم من از شما دارم.سهم مرا هم به من بدهید.سهم من چیه؟تقوا. يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ ولذا با کلمه ی نِیل بیان شده يَنَالُهُ می رسد به خدا تقوای شما.به خدا می رسد شما اگر گوشت به بی نوایان بدهید به آنها هم می رسد و از شما شاکر می شوند از شما هم بمن سهمی می رسد من هم تشکر می کنم از شما.سهم من از شما تقوای شماست.تقوا بخواد به خدا برسد یعنی جان آدم به خدا می رسد.وجود آدم به خدا می رسد.چون خود انسان حرکت می کند. إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ خود انسان حرکت می کند و به قرب خدا می رسد اما با چی حرکت می کند؟با مرکب تقوا.شما اگر بخواهید به من برسید یعنی به قرب من برسید به لقاء و رضوان من برسید با مرکب تقوا باید برسید.اگر بتوانید شما تقوا را حفظ کنید قربانی ها که می کشید برای خدا باشد این قربانی ها روز قیامت مرکب های ما خواهند بود.ولذا این را سبک نشمارید قربانی کسانی که در مکه اند و کسانی که در بلاد خودشان هستند.روز عید قربان،قربانی می کنند .هر چه این قربانی ها چاق تر و فربه تر باشد آنجا روز قیامت مرکب چابک تری خواهد بود.اگر یک روزی مثلا آنجا کشته بز شاخ شکسته ای آنجا هم مرکبش خیلی ضعیف خواهد بود اما یک کسی شتر در راه خدا کشته وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ اونجا دیگر مرکبش خیلی عظیم تر و پروازش سریعتر خواهد بود به بهشت دیگر.ولذا اینها را مراقب باشید و از این دستورات الهی بهره ی خود را بگیرید.خوشابه حال انسانهای عارف و عاقل که از این زندگی خودشان هرچه دارند بهره ی خودشان را می گیرند.از مالشان ،ثروتشان،قدرتشان،علمشان،نمی دونم جاه و مقامشان هرچه دارند که رزق خداست. لَن يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا  این گوشتشان به خدا نمی رسد خونشان هم به خدا نمی رسد وَلَٰكِن يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنكُمْ تقوای شما به خدا می رسد كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ خب این حیوانات را مسخر شما کرده ایم لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ که خدا را بزرگ بشمارید در مقابل هدایتی که کرده نعمت هدایت نعمت نبوت نعمت امامت و ولایت و راهنمایی ما به سوی شریعت.چقدر خدا بر ما منت گذاشته لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ پیغمبر فرستاده ائمه ی اطهار ؟ع؟ قرار داده علما اعلا مروجین قرآن آمده اند و قرآن به دست ما و کتابهای دینی به دست ما توانسته ایم ما راه بیابیم آیا این راه یابی به سادگی بوده؟انقدر خونها ریخته شده انقدر خاندون های معظم و مجلل به اسارت افتاده اند تا این برنامه ی دین و قرآن به دست ما رسیده.خدا را بزرگ بشمارید وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ در مقابل این نعمت هدایت که به شما داده وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ انسانهای نیکوکار را بشارت بده وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ اونهایی که کار می کنند در راه خدا و نیکو هم کار می کنند کار نیکو همان است که با روح اخلاص انجام بشود.محسنین هم همین ها هستند بشارت بده خداوند برای محسنین نعمتهای بی پایان مهیا فرموده.این چند جمله هم به عنوان موعظه از حالا نمی دانم درسته که از امام باقر علیه الصلاة و السلام است یا از امام امیر المومنین علیه الصلاة و السلام.به هر حال امروز هم که گذشت ظاهرا بنا به نقلی روز ولادت امام ابی جعفر باقرالعلوم علیه الصلاة و السلام بوده.بنابر نقلی ولادت امام باقر ؟ع؟ هم بوده است بنابراین حالا این روایت از ایشان یا امام امیرالمونین ؟ع؟ به هر حال می فرمایند: طُوبى لِمَن أخْلَصَ للّه ِ عَمَلَهُ و عِلْمَهُ ، و حُبَّهُ و بُغْضَهُ ، و أخْذَهُ و تَرْكَهُ ، و كَلامَهُ و صَمْتَهُ ، و فِعْلَهُ و قَولَهُ

خوشا به حال اون کسی که هم علمش را برای خدا خالص کند هم عملش را برای خدا خالص کند.اگر دنبال علم می رود برای خدا باشد نه برای اینکه در پرتو علم به منافع مادی برسد.علم را برای منفعت مادی تعقیبش نکنید.برای اخلاص برای خدا برای تقرب به خدا و خدمت به دین خدا علمش را برای خدا عملش را برای خدا کاری که می کند برای خدا فرض شد آدمی که این عمرش سپری می شود نفس که می زند نیروها که صرف می کند هم می شود تحویل مردم بده هم تحویل خدا بده.خب چرا.وقتی بنا می شود،می شود تحویل خدا دادو حیات ابدی گرفت چرا تحویل دیگران داده بشود؟ طُوبى لِمَن أخْلَصَ للّه ِ عَمَلَهُ و عِلْمَهُ ، و حُبَّهُ و بُغْضَهُ خوشا به حال اون کسی که هم محبتش برای خدا باشد اگر دوست می دارد کسی را برای خدا،اگر دشمن می دارد کسی را برای خدا.برای خدا دوست بدارد برای خدا دشمن بشود اگر دید عزیزترین کسانش از راه خدا منحرفند واقعا دشمنش بدارد ولو فرزندش باشد اگر این در راه خدا منحرف است.برای رضای خدا با او بُعد داشته باشه.دورترین کسان را اگر می بیند در راه خداست او را دوست داشته باشد دوستیش برای خدا دشمنیش برای خدا أخْذَهُ و تَرْكَهُ چیزی می گیرد برای خدا رها می کند برای خدا.چیزی را ترک می کند برای خدا ترک کند نه برای اینکه حالا مردم بدانند من فلان عمل را ترک کرده ام فلان کار زشت را ترک کرده ام یا فلان کار را انجام داده ام برای خدا كَلامَهُ و صَمْتَهُ سخنش برای خدا سکوتش برای خدا آنجا که خدا رضا می دهد سخن بگوید آنجا که رضا می دهد سکوت کند فِعْلَهُ و قَولَهُ .لاَ يَكُونُ الْمُسْلِمُ مُسْلِما حَتَّى يَكُونَ وَرِعا. مسلم،مسلم نخواهد بود مسلمان اسلام واقعی ندارد تا ورع بشه.ورع یعنی پرهیزگار تا پرهیز از گناهان نکرده اسلام واقعی ندارد وَ لَنْ يَكُونَ وَرِعا حَتَّى يَكُونَ زَاهِدا.ورع حسابی نخواهد بود تا زاهد بشود.بی رغبت به دنیا بشود زاهد هم معنایش این نیست که نداشته باشد و کنار برود نه در عین حال که دارد رغبت به او ندارد دلبستگی به او ندارد مسلم تا آدم بی رغبت بدنیا نباشد نمی تواند پرهیزگار باشد.چون حب دنیا آدمی را به گناهان آلوده می کند محبت به دنیا که شد در هر رشته ای در هر فنی هر کی باشد آلودگی پیدا می کند.اگر حب دنیا باشد اما اگر آدمی که واقعا بی رغبت نسبت به دنیا بس که نسبت به خدا و آخرت فکر کرده و در جانش اشتیاق به آن نشسته اصلا نسبت به دنیا مثل خاک نگاه کند اینجور نگاه می کند ورع شده چون زاهد است چون رغبت به دنیا ندارد شأن دنیا را فهمیده که پوچی دارد دل به اون نمی بندند می شود ورع،ورع نمی شود تا زاهد باشد. لَنْ يَكُونَ زَاهِدا حَتَّى يَكُونَ حَازِما . زاهد هم نمی شود مگر دور اندیش باشد تا آخرت را خوب به حساب نیاورد ممکن نیست از این دنیا بگذرد.چون دنیا محبوبه پول زیباست مقام زیباست شهرت زیباست مگر می شود از اینها بگذرد مگر حازم باشد.حزم یعنی دور اندیشی واقعا آخرت را می بیند مرد آخر بین مبارک بنده ایست.اونی که واقعا آخرت را شناخته جمال آخرت را شناخته است می تواند به دنیا زاهد باشد.تا آخرت شناس نباشد دنیا را از دست نخواهد داد. وَ لَنْ يَكُونَ حَازِما حَتَّى يَكُونَ عَاقِلاً آخرت بین نخواهد بود مگر اینکه عاقل باشد.عاقل همان اندیشمنده.فکر می کنم این دنیا را می بیند که دارد فانی می شود می بینم مقابل چشم خودم می بینم جنازه ها را می برند در دل خاک می گذارند برمی گردند اموالش را تقسیممی کنند.خودم را می بینم که جوان بودم موی سر و صورتم سیاه بود الان رو به سفیدی رفته.برق پیری بر سر و صورتم نشسته.به همین زودی باز همه ی نیروهای بدنم مثل گذشته ای که از بین رفته اینها هم خواهند رفت.فکر می کند که دنیا را در حال فنا می بیند و می داند که این عالم ابدیت دارد بعد از مرگ من حیات دارم زندگی دارم.نکند که در آنجا فریادم يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِی بلند شود.نکند فریادم  يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ بلند شود فکر مخرت بین است.چون آخرت بین است زاهد است.به دنیا بی رغت است.چون زاهد است ورع است پرهیزگار است.چون پرهیزگار است پس مسلمه.پس مسلم بخواهد باشد باید عاقل باشد بیاندیشد ولذا قرآن جز با عقلا حرف نمی زند.با اندیشمندان سخن می گوید وقتی عاقل شد، و من عاقل الا من عقل عن الله و عمل الدار الاخره(:41:21) عاقل همان است که خدا بشناسد و برای آخرتش کار کند این انسان عاقله.خوشا به حال اینها ولذا اون مرد نصرانی که آمده بود به مدینه خیلی بله لباس زیبایی قیافه ی خیلی جذابی داشت وحرف که می زد جذاب حرف می زد.نشست و برخواست مودبانه ای داشت.این چشم مسلمانها را گرفته بود آمدند و گفتند یا رسول الله مَا أَعْقَلَ هَذَا النَّصْرَانِیَّ این آدم نصرانی ست اما چقدر عاقله.چقدر عاقل است نصرانی است ولی عاقل است.اونها گفتند عاقلی یعنی همین.چه خوش برخورده مثلا.مودب صحبت می کند مودب نشست و برخواست می کند چه بسا الان ما خیلی دیدیم آدم واقعا فهمیده ای همین قدر که به ما می رسد لبخندی می زند و خیلی مودب حرف می زند. رسول خدا فرمود که حرف نزن حتی نهی کرد اون آدم را نهی کرد عاقل اون کسی است که خدا را بشناسد و برای آخرتش کار کند.عاقل اوست.این آدم نصرانی که می گویید که اعتقادی به اون خدای واقعی که باید داشته باشد ندارد نبوت را نمی شناسد آخرت را اعتقاد به اون کیفیت که باید عمل کند ندارد این چه جور عاقلیه؟نگو که عاقل است.عاقل آن است که خدا را بشناسد برای آخرتش کار کند.این هم جملاتی امیدوارم خداوند به لطف و عنایت خودش و به انفاس قدسیه اهل بیت عصمت علیه الصلاة و السلام همه ی ما را با معارف قرآن و عترت آشنا بفرماید و دلهای ما را منور به نور ایمان اخلاص بگرداند.اما عرض ادب به آستان مقدس امام سید الشهدا ؟ع؟ نمی دانم این مسئله ی برگشت اسب بی صاحب امام به سمت خیمه گاه چقدر جانسوز است که فرزند بزرگوارش امام عصر ارواح العالمین له الفداه روی این مصیبت زیاد تکیه دارد که فراموش نمی کنم.ای جد بزرگوارم موقعی که اسب بی صاحبت به سمت خیمه گاه آمد بچه ها تو خیمه گاه نشسته بودند منتظر بودند که بار دیگر آقا برگردد و از آنها دلجویی کند.صدای اسب به گوششان رسید خیال کردن آقا مراجعت کرده وقتی از خیمه گاه بیرون آمدن دیدن اسب بی صاحب آمده زینش واژگون،یالش غرق خون دنبال اسب افتادند به سمت قتلگاه صدا می زدند وا محمدا وا علیا وا حسینا